**انترناسيونال ۷۱۸**

**علل و اهداف سياسي حمله موشکي جمهوري اسلامي**

*اين نوشته بر مبناي مصاحبه کانال جديد با حميد تقوائي تنظيم شده است*

کيوان جاويد: اهداف جمهوري اسلامي از حمله موشکي به منطقه ديرالزور سوريه چه بود؟

حميد تقوائي: آنچه خودشان اعلام کردند اين بود که اين عملياتي است به تلافي اقدام تروريستي داعش در تهران وليهمه ميدانند که هدف واقعي جمهوري اسلامي مقابله با داعش نبود بلکه بهانه و محمل موشک پراکني اش اين بود. حتي کيهان شريعتمداري در ليست اهداف حمله موشکي از داعش و تلافي جوئي از عمليات تروريستي در تهران نامي نبرده است.

جمهوري اسلامي اهداف چندگانه اي را تعقيب ميکرد. اولين هدف اين بود که در شرايطي که با روي کار آمدن ترامپ فشارها عليه حکومت بيشتر شده و بخصوص سناي آمريکا تحريمهاي جديد را عمدتا بخاطر فعاليتهاي تروريستي و رزمايشهاي موشکي جمهوري اسلامي تصويب کرده است، پاسخي به آمريکا بدهند و بقول خامنه اي به دشمن "سيلي" بزنند. ميخواستند نشان بدهند که فشارها و تهديدات تازه دولت آمريکا تاثيري نداشته است. و نه تنها به رزمايشهاي موشکهاي بالستيکي ادامه ميدهند بلکه آنها را در ميدان جنگ هم بکار ميبرند. از اين لحاظ اين عمليات از نظر جمهوري اسلامي اهميتي استراتژيک و منطقه اي داشت.

هدف ديگرشان کاربرد داخلي اين عمليات بود. ميخواستنداولا قدرت سپاه را به رخ جامعه بکشند و مردم را مرعوب کنند و ثانيا جناح روحاني را به عقب برانند و حرکتي بکنند که همه زير چتر خامنه اي و سپاه پاسدارانش به خط بشوند.

هيچيک از اين اهداف به تلافي جوئي و يا مقابله با تروريسم داعش ربطي نداشت بلکه تنها در فضاي سياسي و جوي اين عمليات انجام شد که حمله داعش به تهران بوجود آورده بود.

کيوان جاويد: تا چه اندازه جمهوري اسلامي توانست به اين اهداف دست پيدا بکند؟

حميد تقوائي: ميشود گفت در رابطه با همه اين اهداف حمله موشکي نتيجه معکوس داشت و بيشتر نشانه ضعف حکومت بود تا قدرتش. هفت موشک پرتاب کردند که بيشتر آنها در منطقه مورد نظر فرود نيامد. بنا بر گزارشها برخي از آنها در خاک عراق سقوط کرد و تنها دو موشک به منطقه هدفگيري شده اصابت کرد.

در هر حال تا آنجا که به ادعاي "عمليات نظامي عليه داعش" مربوط ميشود هيچ گزارشي در دست نيست که اساسا هيچ ضربه اي هر اندازه کوچک به داعش وارد شده باشد. کارشناسان نظامي ميگويند اين عمليات نشان داد که قدرت موشکي جمهوري اسلامي حتي از حزب الله کمتر است. خامنه اي عمليات داعش در تهران را ترقه بازي ناميد - که البته اينطور نبود، در آن حمله تعدادي کشته شدند- ولي با همين مقياس عمليات موشکي جمهوري اسلامي را ميتوان فشفشه بازي ناميد. اين نام با مسمي تري است. جمهوري اسلامي ميخواست نشان بدهد که ميتواند از داخل خاک ايران اهداف دور دستي را مورد هدف قرار بدهد ولي در واقع نشان داد که اين توان را ندارد.

دعواي جناحها نيز بعد از اين موشک پراکني خاتمه نيافت.گرچه روحاني و طرفدارانش و حتي بخشي از نيروهاي اپوزيسيون ملي- اسلامي از اين اقدام بعنوان دفاع از امنيت ملي و مقابله با تروريسم داعش و غيره حمايت کردند، ولي کسي زير علم خامنه اي به خط نشد. حتي دعواي جناحها بعد از موشک پراکني شدت بيشتري گرفت. حالا اينکه عمليات موشکي "تحت امر رهبري" انجام شده است و يا بنا به تصميم "شورايعالي امنيت"تحت رياست روحاني،به موضوع تازه مناقشات جناحي بدل شده است.

تا جائي که به مردم مربوط ميشود نيز بايد گفت جمهوري اسلامي نميتواند با اين نوع عمليات نظامي مردم را به عقب براند و مرعوب کند. مبارزات و اعتراضات مردم وسيع تر و تعرضي تر از آنست که با اين نوع مانورها بشود با آن مقابله کرد. اينجا هم اين حرکت به عکس خودش تبديل خواهد شد. مردم ايران بارها شعار داده اند که "سوريه را رها کن فکري بحال ما کن". مردم از اساس اين ادعا که جمهوري اسلامي با تروريسم داعش مقابله ميکند را قبول ندارند و بدرست خود حکومت را يک عامل تروريسم و باعث و باني اين وضعيت ميدانند. بدنبال حمله به مجلس و مقبره خميني در بين مردم وسيعا شايع شد که اين کار خود حکومت بوده است. اين نشان ميدهد تا چه حد مردم از اين رژيم متنفرند و چقدر به آن بي اعتمادند. بهمين دليل موشک پراکني حکومت نخواهد توانست مبارزه مردم را به عقب براند. به نظر من حتي اين امکان هست که جبهه و عرصه تازه اي باز بشود در اعتراض به سياستهاي منطقه اي جمهوري اسلامي. و به اين معني تلاشبراي تروريزه و ميليتاريزه کردن جامعه نيز به عکس خودش تبديل بشود.

کيوان جاويد: جمهوري اسلامي حتي بعد از برجام هرگاه دست به آزمايش موشکهاي بالستيکي زد فورا از جانب دولتهاي غربي محکوم شد و مورد تحريم قرار گرفت. ولي در اين مورد مشخص چنين اتفاقي نيفتاد. چرا؟

حميد تقوائي: به اين دليل که اين عمليات تحت عنوان اقدام تلافي جويانه عليه داعش انجام گرفت. داعش آن چنان در افکار عمومي منفور است که امروز هر دولتي دارد سياستهاي ارتجاعي خودش را تحت عنوان حمله به داعش توجيه ميکند. ظاهرا از ترکيه و عربستان سعودي تا آمريکا و روسيه تا خود جمهوري اسلامي همه دارند عليه داعش مبارزه ميکنند. معلوم نيست داعش چه نيروي خارق العاده اي دارد که عليرغم اينکه همه عليه او هستند چندسال است دارد در منطقه يکه تازي ميکند! واقعيت آنست که همه دولتهاي منطقه اي و حاميان جهاني شان از مدتها قبل از ظهور داعش همين اهداف و سياستهائي را دنبال ميکرده اند که امروز به اسم مقابله با داعش به پيش ميبرند. سياستها و عملکرد امروزاين نيروها و دولتها ناشي از ظهور داعش نيست؛ برعکس، ظهور داعش نتيجه و حاصل اين سياستها است. حضور داعش صرفا ظرف تبليغاتي و توجيه تازه اي براي عملکرد و پيش برد سياستهاي قديمي تر آنها فراهم کرده است.

تا آنجا که به جمهوري اسلامي مربوط ميشود اين حکومت خود يک رکن جنبش اسلام سياسي و عامل اصلي تروريسم در منطقه است. اين حکومتي است که از همان ابتدا با همه توان از نظر سياسيو اقتصادي و نظامي از رژيم اسد دفاع کرده است و دستش تا آرنج بخون مردم سوريه آلوده است. جمهوري اسلامي در حفظ رژيم ابشار اسد از خود ارتش سوريه فعال تر و موثر تر بوده است. امروز چنين حکومتي به بهانه تلافي عمليات داعش به سوريه موشک پراکني ميکند. سپاه قدس در خود سوريه حضور دارد و عليه مردم سوريه و عليه هر نيروي مخالف اسد مشغول جنگ است. رژيم اسد از زمين و هوا و با بمبارن شيميائي و با بمبهاي بشکه اي مردم سوريه را ميکوبد، تا کنون ميليونها نفر را کشته و خانه خراب و آواره کرده است و جمهوري اسلامي شريک مستقيم تمام اين جنايتها است.

به اين دلايل اين ادعا که جمهوري اسلامي نيروئي عليه تروريسم است از نظر مردم ايران و از نظر نيروهاي چپ و آزاديخواه کاملا پوچ و بي اعتبار است.اما البته براي دولتها مساله فرق ميکند. همانطور که گفتم همه دولتها با ادعاي مقابله با داعش سياستهاي ارتجاعي خودشان را در منطقه به پيش ميبرند و از اين نقطه نظر با جمهوري اسلامي همجهت هستند. حتي رسانه اي مثل بي بي سي اعلام ميکند که مخالفت با اين عمليات جمهوري اسلامي مشکل است چون عليه داعش انجام شده.

به نظر من عمليات داعش در تهران و بدنبال آن ادعاي رژيم مبني بر مقابله با آن گرچه پوشش قضيه بود ولي از نظر سياسي فضا و شرايط و امکان حمله موشکي با ظاهري حق بجانب را براي رژيم فراهم کرد.

کيوان جاويد: چرا جمهوري اسلامي موصل را انتخاب نکرد؟ اين هدف که نزديک تر و سر راست تر بود. در سوريه نيروهاي ائتلاف و نيروهاي دولتي و احزاب کرد حضور دارند ولي موصل اين پيچيدگي را ندارد.

حميد تقوائي: به نظر من علت اصلي انتخاب سوريه سياست حمايت فعال جمهوري اسلامي از رژيم اسد است. امروز دولت آمريکا حمله به موصل را هماهنگ و رهبري ميکند و جمهوري اسلامي هم در اين حمله عملا کنار نيروهاي موتلف آمريکا ( ارتش عراق و نيروهاي کرد و غيره) قرار گرفته است. بهمين دليل موشک پراکني به موصل نميتوانست نشانه سرکشي و خودسري جمهوري اسلامي و پاسخ او به فشارها و تهديدات آمريکا باشد. تنها حمله به داعش در سوريه ميتوانست اين نقش را ايفا کند.

بايد توجه داشت که حمايت از رژيم اسد يک سياست استراتژيک براي جمهوري اسلامي است و بارها خامنه اي اعلام کرده است که تا چه اندازه حفظ رژيم اسد براي "موقعيت نظام" در منطقه و در خود ايران مهم است. زدن داعش در سوريه در عين حال در چارچوب اين سياست قرار ميگيرد و اين معني را ميدهد که رژيم ايران ميتواند حتي از کشور خودش به عمليات نظامي در خاک سوريه دست بزند.

تا آنجا که به تقابل جمهوري اسلامي با داعش مربوط ميشود نيزرکن اصلي اين تقابل تفاوت موضعشان در قبال رژيم اسد است. دو نيروي تروريست يکي در حمايت از رژيم اسد و ديگري عليه او مي جنگند و اساسا به همين دليل در مقابل يکديگر قرار گرفته اند. مخالفت با تروريسم، آنطور که جمهوري اسلامي ادعا ميکند، و يا تفاوتهاي عقيدتي بين تسنن و تشيع، که ژورناليسم سطحي مطرح ميکند، نقشي مهمي در اين مقابله ندارد. مساله سياسي است. داعش و جمهوري اسلامي به دو بلوک اسلامي رقيب و متخاصم در منطقه متعلق هستند. بلوک ترکيه و عربستان سعودي و امارات مخالف دولت سوريه و موتلف دولت آمريکا هستند و جمهوري اسلامي و روسيه مدافع فعال رژيم اسد. بر متن اين شرايط است که جمهوري اسلامي موشک پراکني اش عليه داعش را در سوريه انجام ميدهد. با اين کار اعلام ميکند که عليرغم تهديدات و فشارهاي اآمريکا يک نيروي فعال و دخالتگر در سوريه است و حتي از درون خاک خود هم با مخالفين رژيم اسد ميجنگد.

کيوان جاويد : بعضي ممکن است بگويند جمهوري اسلامي حق دارد در هر کجا به داعش حمله کند. چون داعش در تهران عمليات تروريستي انجام داد. بنابرين اين عمليات جمهوري اسلامي به نفع مردم و به نفع امنيت جامعه است. شما چه فکر ميکنيد؟

حميد تقوائي: عامل اصلي نا امني در ايران خود جمهوري اسلامي است. و اين را مردم ايران ميدانند. مساله عمليات تروريستهاي اسلامي در کشورهاي غربي، نظير فرانسه و انگليس و آمريکا از نظر سياسي بسيار متفاوت است با تروريسم اسلامي در ايران. جمهوري اسلامي عامل اصلي تروريسم در منطقه و در خود ايران است و اين را مردم در زندگي هر روزه شان تجربه کرده اند.

حتي زمينه ساز سناريوهائي نظير حمله نظامي دولت آمريکا و عراقيزه شدن ايران - آنچه حکومتي ها و نيروهاي طرفداران رژيم ادعا و تبليغ ميکنند و مردم را از آن ميترسانند- و يا احتمال گسترش عمليات تروريستيداعش در ايران و غيره،وجود يک رژيم تروريستي در خود ايران است. تا جمهوري اسلامي بعنوان رکن جنبش اسلام سياسي و عامل تروريسم در منطقه در قدرت است احتمال چنين سناريوهائي نيز وجود دارد. براي حفظ امنيت جامعه بايد جمهوري اسلامي را بزير کشيد.اين راه حل و تضمين واقعي از بين بردن خطر جنگ و يا حمله ساير نيروهاي تروريستي است. اين وظيفه نيروهاي کمونيستي و انقلابي نظير حزب ما است که اين حقيقت را برجسته کنيم و در برابر انظار جامعه قرار بدهيم. گرايش و درک عمومي مردم نيز همين است. من جائي نديدم که مردم بعد از حمله اخير در تهران نفرت خودشان را از داعش اعلام کنند و يا از حکومت بخواهند که قاطعانه عليه تروريستها عمل کند. شبيه آنچه در پي هر حمله تروريستي در کشورهاي غربي شاهد بوديم. همانطور که اشاره کردم در عمليات تروريستي اخيرتهران بسياري از مردم معتقد بودند که کار خود رژيم است. البته اين عمليات کار رژيم نبود ولي به يک معني سياسي و پايه اي تري مردم حق دارند بگويند کار خودشان است.بخاطر اينکه جمهوري اسلامي سياست تروريستي فعالي در منطقه داشته است. سياستي که بنوبه خود در شکل دادن به داعش و ايجاد زمينه هاي ظهور آن نقش داشته است. مدتها قبل از ظهور داعش جمهوري اسلامي در عراق دخالت نظامي ميکرد و در سوريه مستقيما مشغول جنگ عليه نيروهاي مخالف اسد بود و هنوز هم هست.مردمي که شعار ميدهند "سوريه را رها کن فکري بحال ما کن" اين حقايق را ميدانند.

از يک جنبه ديگر نيز جمهوري اسلامي و داعش هم جهت و هم نوع اند. جمهوري اسلامي خود يک حکومت اسلامي است که سياستهايش در ايران فرق ماهوي اي با سياستهاي داعش در مناطق تحت نفوذش ندارد. اگر حکومت ايران باندازه داعش هار و وحشي نيست بخاطر اينست که مردم در برابرش ايستاده اند و مبارزه کردند و به او اجازه نداده اند. و گرنه اگر دست آيت الله هاي حاکم بود همان بلائي را به سر مردم ايران مي اوردند که داعش بر سر مردم موصل آورد. اين را هم مردم ميدانند. نيروهاي اسلامي تروريستي در منطقه بجان يکديگر و بجان مردم افتاده اند و يکي از آنها مدعي است اين کار را براي حفظ امنيت جامعه انجام ميدهد! اين ادعا در ميان مردم خريداري ندارد.

کيوان جاويد: بلوک بنديهاي منطقه اي که به آن اشاره کرديد عامل نسبتا تازه اي در خاورميانه است. دو شاخه جنبش اسلام سياسي در برابرهم قرار گرفته اند. قبلا منطقه بين دو بلوک غرب و شرق تقسيم شده بود و روشن بود که چرا اين دو کمپ در مقابل هم هستند. معني سياسي اين بلوکبندي تازه چيست و چرا اصلا اين دو بلوک تشکيل شده است؟

حميد تقوائي: معمولا گفته ميشود اين بلوکها متعلق به دو شاخه سني و شيعه جنبش اسلامي هستند و به اين دليل در برابر هم قرار گرفته اند. اين پوچ است. اختلاف عقيدتي تنها ظاهر وقالب ايدئولوژيک قضيه است. اين ها بلوکبنديهاي سياسي هستند که براي منافع و اهدافي خاکي و زميني تشکيل شده اند و نه بر مبناي اعتقادات و تفسير و تعبيرهاي متفاوت مذهبي شان.

در پايه اي ترين سطح علت سياسي شکل گرفتن اين بلوکها اينست که استراتژي هژموني طلبانه و ميليتاريستي دولت آمريکا در منطقه، که از جنگ خليج در دوره بوش پدر شروع شد و در دوره بوش پدر ادامه پيدا کرد و به اوج خود رسيد، نافرجام ماند. ماشين جنگي آمريکا به گل نشست و براي دولت آمريکا ديگر امکان نداشت که اهداف خودش را از طريق قدرتنمائي نظامي دنبال کند. هدف امريکا اين بود که بعد از فروپاشي شوروي قدرت خودش را در خاورميانه و به اين طريق در دنيا بعنوان تنها ابرقدرت در "نظم نوين جهاني" بعد از جنگ سرد تثبيت کند. اين اتفاق نيفتاد. و حتي تحولات در جهت عکس به پيش رفت. حتي حاميان و پيروان سنتي دولت آمريکا در منطقه - مثل ترکيه و عربستان و مصر - تا حد زيادي خودسر شدند و هر يک با اهداف و سياستهاي ويژه خودشان قد علم کردند. اينها ديگر مثل سابق، در دوره جنگ سرد و حتي سالهاي اول پس از فروپاشي بلوک شرق،مطيع و تابع سياستهاي دولت آمريکا نيستند. حتي سياستهائي را دنبال ميکنند که منطبق با خط و اهداف دولت آمريکا نيست. بعبارت ديگر نافرجامي سياستهاي دولت آمريکا خلاء قدرتي را ايجاد کرده است که هر يک از دولتهاي منطقه - و مشخصا عربستان و ترکيه و جمهوري اسلامي- تلاش ميکنند در نقش قدر قدرت منطقه اي ظاهر شوند و اين خلاء را به نفع خود پرکنند.

اين تلاش در دل جنبش اسلام سياسي و بصورت دسته بنديهائي صورت ميگيرد که زمينه ها و ماتريالش در دوره گذشته فراهم شده. هجوم نظامي دولت آمريکا به اهدافش نرسيد ولي باعث افسار گسيختگي نيروها و دولتهائي اسلامي اي شد که امروز در هيات دو بلوک متخاصم در جنبش اسلام سياسي در برابر هم قرار گرفته اند. بلوک جمهوري اسلامي- اسد در برابر عربستان سعودي- ترکيه.

در اين ميان روسيه نيز که بعد از خانه تکاني اوليه در دهه آخر قرن گذشته دوباره فعال شده و با ادعاهاي تازه و با يک سياست تعرضي بميدان بازگشته است، يک نيروي تعيين کننده در حمايت از رژيم اسد و محور و رکن بلوک جمهوري اسلامي- سوريه است.

همانطور که اشاره کردم مهمترين مساله سياسي که اين دو بلوک را در مقابل هم قرار ميدهد موضعگيري در قبال رژيم اسد هست ولي در اساس اختلافشان حتي بر سر بود و نبود رژيم اسد نيست بلکه تقويت نفوذ و قدرت خود و تبديل شدن به قدر قدرت منطقه اي است.

تقابل بين داعش و جمهوري اسلامي از اينجا ناشي ميشود. اگر داعش حامي رژيم اسد بود ولي صد برابر اين در موصل جنايت ميکرد جمهوري اسلامي اعتراضي نداشت. چون خودش مشغول ارتکاب شبيه همان جنايتها در جامعه ايران و در منطقه است. داعش در صورت حمايت از رژيم اسد با چمهوري اسلامي در يک بلوک قرا ميگرفت و اين دو اختلاف و تقابلي با هم نميداشتند.

کيوان جاويد: بعنوان آخرين سئوال راه حل انساني و ممکن براي خلاص شدن از اين شرايط در منطقه چيست؟

حميد تقوائي: تنها راه حل ممکن و انساني مقابله و تعرض مردم عليه دولتها و نيروهاي رنگارنگ اسلامي در منطقه است. دولتها و نيروهاي اسلامي و روسيه و آمريکا و موتلفينشان خود جزئي از صورت مساله هستند و نه راه حل. مناسبات و کشمکشها و بلوکبندي ميان اين نيروها مشکلي از مردم حل نميکند، مردم بايد با خواستها و قدرت مستقل خودشان بميدان بيايند.

در اين ميان مردم ايران نقش تعيين کننده اي دارند. در ايران يک گرايش و جنبش وسيع سکولاريستي و ضد مذهبي شکل گرفته است و اعتراضات وسيعي در عرصه هاي مختلف در جريان است. بويژه امروز، در شرايط بعد از انتخابات که دعواي بين جناحها در حد بيسابقه اي بالا گرفته است و رژيم کلا ضعيف تر و بهم ريخته تر از گذشته از انتخابات بيرون آمده، زمينه مساعدي براي تعرض بيشتر مردم فراهم شده است. يکي از عرصه هاي تعرض ميتواند و بايد اعتراض به سياستهاي تروريستي حکومت در منطقه باشد.

تا آنجا که به مردم منطقه مربوط ميشود هدف و جهتگيري نيروهاي انقلابي و آزاديخواهي نظير حزب ما بايد جمع کردن بساط همه دولتها و نيروهاي اسلامي و مقابله سياستهاي ارتجاعي حاميان جهاني آنها، دولت آمريکا و روسيه و موتلفينشان، باشد. جوانه ها و نشانه هائي از چنين حرکتي را ما در افغانستان در حمايت از حقوق زنان و در عراق و در ترکيه و حتي در عربستان - اعتراض زنان سرکش گريخته از آن کشورها- و يا در استقبالي که از کمپين اکس مسلم در بسياري از کشورهاي اسلامزده به عمل آمده استمشاهده ميکنيم. اين حرکتها اولا حاکي از وجود يک گرايش سکولاريستي و ضد مذهبي در ميان مردم کشورهاي اسلامزده است و ثانيا نشان ميدهد که شکل دهي به اين نوع اعتراضات و جنبشها کاملا ممکن و عملي است. همانطور که گفتم اين اعتراضات در ايران بسياروسيع و گسترده است و ميتواند الهام بخش مبارزات مردم در ساير کشورهاي اسلامزده باشد.

به نظر من آينده مردم و رهائي جامعه از شر نيروها و دولتهاي اسلامي در گرو تقويت و سازماندادن و به پيش بردن هر چه بيشتر اين حرکت سکولاريستي و ضد مذهبي در ايران و در منطقه است.